

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۱۹ نومبر ۲۰۱۸



مغز متفکر

روباه صفت، کثیف پُر از ریب و از ریا
استاد مکر و حیل و نیرنگ و از دغا
رقاصه سیاسی، اشرار و مافیا
رقصی، به ساز اجنبی دالخورکا
ظاهر (چتلیتین) و به باطن چو ازدها
ایزار طالبان و به شلوار (اوباما)
بر ریش گلبدین، چو کنه، گشته جابه جا
یعنی بنام اردوی اسلامی سخا
صف صف قطار، خدمت اعراب در خفا
ناموس و ننگ و غیرت افغان کنی فدا
از آخر و ز پشت و هم از زیر و انتها
کیش تو انتحاری و راه تو افترا
بر گو که قبله تو کجا؟ بر کی اقتدا؟
رقاصه خانه، مسجد و یا، در حرمسرا
(زرداری) رهبر تو و (مرداری) رهنما
ای بر تو و به بانده تو ای، لعنت خدا
او خود بغل نشین، که بادش رود خطا

اشرف غنی مسخره، زنجوی بی حیا
ای مار گیر کهن، مدارای تازه کار
اشرف غنی قرچه گک دم بُریده گک
اشرف غنی! چرا؟ تو خجالت نمیکشی
با آن قد و قواره انتیک و مُردنی
نیم قد تو زیر زمین، نیم دیگرش
در پشم طالبان، تو شپشوار در چرش
خواهی سپاه سبز، ز زنه‌ای با حجاب
آماده یک قشون، که خوبان و خوشگلان
خواهی ز کاسبی و ز دلالی عرب
ای (مغز متفکر) (نمبر یک) جهان
رب تو (ای. اس. آی) و کتاب تو دیگ دال
پیغمبر تو شهوت و فحشاست باورت
پس طاعت و عبادت اگر میکنی، بگو
ملا و هم امام تو، ابلیس و انگلیس
در پشت تو (نواز شریف) است و طالبان
(اشرف غنی) ! هوس بغل دوستم مکن

ای مادرِ تعصب و مادرِ کلانِ بغض «نعمت» که گفته بود، نویسم هزار بیت
 خوابیدن تو در بغلِ (دوستم) چرا فعلاً به نزده بیت، نمودست اکتفا

معنی متفکر

اشرفِ عننی محضه، زنجوی بی حیا
 ای مادرِ کیسِر کهنه، مدارئی تازه کار
 اشرفِ عننی قترچه گلِ دم بریده گل
 اشرفِ عننی! چسرا؟ تو خجالت نمیکشی
 با آن قد و قواره انتیک و مُردنی
 نیم قد تو زیرِ زمین، نیم دیگرش
 در پشمِ طالبان، تو شپوارِ در چهرش
 خوابی سیاه سبز، ز زندهای با حجاب
 آماده یک تشون، که خوبان و خوشگلان
 خوابی ز کاسبی و، ز دلای عسب
 ای (معنی متفکر) (نمبر یک) جهمان
 ربّ تو (آی، اس، آی) و کتاب تو دیکِ دال
 پیغمبر تو شہوت و، فحشات باورت
 پس طاعت و عبادت اگر میکنی، بگو
 ملا و، هم امام تو، ابلیس و انجلیس
 در پشت تو (نواز شریف) است و طالبان
 (اشرفِ عننی)! ہوس بغلِ (دو نشم) مکن
 ای مادرِ تعصب و، مادرِ کلانِ بغض
 «نعمت» که گفته بود، نویسم ہزار بیت

رو با صفت، کشفِ پُر از ریب و از ریا
 استوارِ مکرو، حیل و، نیرنگ و، ازدغا
 رقاصہء سیامی، اشرار و مانیا
 رقصی، بہ سازِ اجنبی دال خور کھا
 ظاہر (چتسل پین) و بہ باطن چو اژدھا
 ایزارِ طالبان و بہ شلوارِ (اوباما)
 بر ریش کلبدین، چو کنہ، کشتہ جا بجا
 یعنی، بنامِ اردوی اسلامی سخا
 صفِ صفِ قطار، خدمتِ اعراب، درخا
 ناموس و ننگ و غیرتِ افغان کنی فدا
 از آخر و، ز پشت و، هم از زیر و اتھا
 کیش تو انتخاری و، راه تو افترا
 بر کو کہ قبلہء تو کجا؟ بر کی اقتدا؟
 رقاصہ خانہ، مسجد و یا، در حرم سرا
 (زرداری) رہبر تو و (مرداری) رہنما
 ای بر تو و، بہ باند توام، لعنتِ خدا
 او خود بعزل نشین، کہ بادش رود خطا
 خوابیدن تو در بغلِ (دو نشم) چرا
 فعلاً بہ نزده بیت، نمودست اکتفا